



سنت ابن سینا در فلسفه اسلامی حتی در علم کلام تأثیر گذاشت

یوسف ثانی گفت: سنتی که ابن سینا در فلسفه اسلامی پایه گذاشت، در دوره‌های بعد، حتی در علم کلام اشعری، معتزلی و شیعی نیز تأثیر گذاشت و این علوم را به سوی نوعی دفاع عقلانی از دین سوق داد.

یوسف ثانی گفت: سنتی که ابن سینا در فلسفه اسلامی پایه گذاشت، در دوره‌های بعد، حتی در علم کلام اشعری، معتزلی و شیعی نیز تأثیر گذاشت و این علوم را به سوی نوعی دفاع عقلانی از دین سوق داد.

به گزارش خبرنگار مهر، سید محمود یوسف ثانی، دانشیار مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، در همایش «از شفا تا قانون» با اشاره به آثار ابن سینا گفت: ابن سینا معمولاً به جای واژه «دین»، از اصطلاحاتی چون «شرع»، «شریعت»، «منهاج»، «مذهب» یا «سنت» استفاده می‌کند. بخش اصلی سخنان من ناظر به الهیات شفا و رساله مهم و کمتر شناخته شده ابن سینا درباره دین است، رساله‌ای که به مناسبت عید قربان نگاشته شده و از همین رو آن را «ازویه» می‌نامند، به معنای رساله‌ای منتسب به عید قربان.

ابن سینا در این رساله، و نیز در آثاری چون نجات و شفا، دین را مجموعه‌ای از معارف و احکام می‌داند چه فقهی، چه اخلاقی که به زبان پیامبر و برای گروه خاصی از مردم نازل شده است. در نگاه او، متن مقدس یعنی قرآن، و سنت پیامبر، صورت‌هایی از این دین را ارائه می‌دهند.

یوسف ثانی به مسئله بسیار مهمی اشاره دارد که امروزه نیز در علوم انسانی و زبان‌شناسی دینی محل بحث است: مخاطب دین کیست؟ ابن سینا تصریح می‌کند که دین و کتاب مقدس خطاب به عموم مردم نازل شده‌اند، نه به نخبگان، فلاسفه یا اهل تحلیل‌های پیچیده. بر این اساس، محتوای دین و شیوه بیان آن باید متناسب با درک عمومی باشد. از این رو در قرآن، برخلاف متون فلسفی، نه با استدلال‌های منطقی و قیاسی بلکه با روایت، تمثیل، داستان و زبان احساسی روبه‌رو هستیم.

مثنوی مولوی نیز که به شدت تحت تأثیر قرآن است، از همین سبک روایی بهره می‌برد؛ سبکی که در آن مفاهیم از دل حکایت و گفتگو بیرون می‌آید، نه با مقدمات برهانی.

ابن دانشیار مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران ادامه داد: ابن سینا معتقد است که سطح مفاهیم قرآنی نیز با همین منطق تنظیم شده است: قرآن، کتاب فلاسفه نیست. اگر در قرآن از خداوند با عباراتی چون «یدالله» (دست خدا)، «محبت خدا» یا «انتقام الهی» سخن می‌رود، باید دانست که این زبان برای درک مردمی طراحی شده که خدا را معمولاً به صورت تشبیهی می‌شناسند. از این رو، قرآن نیز او را در قالب چنین تصاویری معرفی می‌کند. به باور ابن سینا، در قرآن خبری از توصیف‌های تنزیهی و انتزاعی نیست، چراکه چنین زبانی برای مردم قابل فهم نیست.

وی تأکید کرد: حتی بحث‌های مشهور در علم تفسیر درباره معنای مجازی آیات و — مانند اینکه «ید» در «یدالله» به معنای قدرت است نه دست جسمانی — نیز در چارچوب همان فرض نادرست است که قرآن را کتابی برای فلاسفه می‌داند. ابن سینا این مسیرها را بی پایه می‌داند، چراکه اصل را بر این می‌گذارد که قرآن برای مردم عادی نازل شده است و باید با معیارهای فهم عمومی تفسیر شود.

یوسف ثانی همچنین معتقد است که علم کلام، در زمانه او، نقشی جدلی در دفاع از دین داشته است. یعنی متکلمان بیشتر از طریق مشهورات و باورهای رایج مردم از دین دفاع می‌کردند، نه از مسیر عقل محض. حتی مفاهیم اخلاقی مانند «ظلم بد است» نیز در اینجا نه به عنوان گزاره‌ای برهانی، بلکه به عنوان یک باور مشهور تلقی می‌شود.

وی عنوان کرد که ابن سینا در رساله «اقسام العلوم العقلیه» حتی نامی از علم کلام نمی‌برد، چراکه به باور او این دانش نه کاملاً عقلی است و نه برای عموم مردم ضرورتی دارد. او تلاش می‌کند تا خود به دفاعی عقلانی از اصول بنیادین دین — یعنی توحید، نبوت و معاد — بپردازد و برای این دفاع، مفاهیم تازه و ویژه خودش را در چارچوب فلسفی طراحی می‌کند. بخش‌هایی از این دفاع در علم النفس و بخش‌هایی در الهیات شفا نمود یافته‌اند.

یوسف ثانی خاطرنشان کرد: سنتی که ابن سینا در فلسفه اسلامی پایه گذاشت، در دوره‌های بعد، حتی در علم کلام اشعری، معتزلی و شیعی نیز تأثیر گذاشت و این علوم را به سوی نوعی دفاع عقلانی از دین سوق داد.